

دختر کینه جویی که راز ثروت نامزدش را فاش کرد

3 آبان 1401

دختر جوان وقتی متوجه شد نامزد ثروتمندش دیگر توجهی به او ندارد، در اقدامی کینه‌جویانه با مراجعه به پلیس راز این ثروت بادآورده را برملا کرد.

به گزارش "مادران و دختران" به نقل از ایران، چندی قبل، دختر جوانی به پلیس مراجعه کرد و مدعی شد که می‌خواهد راز سرقت‌های سریالی از خانه یک تاجر را برملا کند. او زمانی که در مقابل افسر پرونده قرار گرفت، گفت: مدتی قبل با پسر جوانی در یک میهمانی آشنا شدم. اشکان از همان ابتدا موضوع ازدواج را مطرح کرد اما چون وضع مالی خوبی نداشت، نمی‌توانست با من ازدواج کند. تا اینکه مدتی بعد پیش من آمد و گفت ایده‌ای به ذهنش رسیده که می‌تواند به سرعت پولدار شود و بعد هم با هم ازدواج کنیم. وقتی موضوع را به من گفت، با او مخالفت کردم چون نقشه اشکان سرقت از خانه عموی تاجرش بود.

دختر جوان ادامه داد: اشکان عموی تاجری داشت که وضع مالی‌اش خوب بود. او تقریباً دو ماهی یک بار به خارج از کشور می‌رفت و خانه‌اش خالی بود. نقشه اشکان سرقت از خانه او و ربودن وسایل گرانبها و باارزش خانه بود. او می‌دانست عمویش در این سفرها، به عنوان یادگار و یادبود از کشورهای مختلف برای خودش خریدهای لاکچری انجام می‌دهد از طرفی چون به عتیقه و وسایل زیرخاکی هم علاقه‌مند بود، چند ظرف کوچک عتیقه خریداری کرده بود. اشکان سه مرتبه از خانه سرقت کرد. ظاهراً از این سرقت‌ها هم پول خوبی گیرش آمد، چون خودرو گران‌قیمتی خریداری کرد و به سرعت پولدار شد اما برخلاف قولی که به من داده بود، بعد از مدتی به کل با من قطع رابطه کرد. من که تصور می‌کردم با هم ازدواج می‌کنیم، از کاری که او کرد، ضربه شدیدی خوردم و تصمیم به انتقام گرفتم. با مشخصاتی که دختر جوان در اختیار مأموران قرار داد و بررسی پرونده‌های سرقتی، راز سرقت خانه مرد تاجر برملا شد.

مأموران در بررسی پرونده‌ها دریافتند مرد تاجر سه بار به خاطر سرقت از خانه‌اش به پلیس شکایت کرده و پرونده تشکیل داده است اما مأموران در تحقیقات و بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل سرقت فقط تصاویر مردی را پیدا کردند که سر تا پا لباس مشکی به تن کرده و صورت و دست‌هایش را نیز پوشانده بود. مرد جوان سرقت‌ها را با پای پیاده انجام داده بود و هیچ رد و سرنخی از خود به جا نگذاشته بود به همین خاطر نتوانسته بودند سارق خانه مرد تاجر را شناسایی و دستگیر کنند. بدین ترتیب با اظهارات دختر جوان، مأموران پلیس پس از هماهنگی‌های قضایی راهی خانه اشکان شده و پسر جوان را بازداشت کردند. اشکان در تحقیقات اولیه به سرقت از خانه عمویش اعتراف کرد.

گفت‌وگو با متهم

چه شد که تصمیم به سرقت از خانه عمویت گرفتی؟

پدرم وضع مالی خوبی نداشت و هزینه دانشگاه مرا هم به سختی می‌داد، اما در مقابل عمویم وضع مالی

خوبی داشت. البته او فکر اقتصادی خوبی داشت؛ چند سال قبل به کشورهای مختلف سفر کرد و وسایلی را برای فروش به ایران آورد. در این خرید و فروش‌ها وضع مالی‌اش خوب شد و چند معامله کوچک عتیقه هم انجام داد و کم‌کم پولدار شد.

اینکه دلیلی برای سرقت نمی‌شود؟

عمویم کسی را نداشت، پول‌هایش روی هم انباشته شده بود. چند باری از او خواستم که به من کمک مالی کند اما توجه نکرد. اگر خودش کمک می‌کرد دیگر من به فکر سرقت نمی‌افتادم. از طرفی سرقتی هم که انجام می‌دادم چندان به شرایط مالی او لطمه نمی‌زد. من عتیقه‌ها و وسایل کلکسیونش را سرقت کردم.

با کلید وارد خانه می‌شدی؟

بله با کلید وارد می‌شدم اما بعد از سرقت برای اینکه کسی مشکوک نشود، قفل در را تخریب می‌کردم. من به خانه عمویم آشنایی کامل داشتم و می‌دانستم چه زمانی در ایران نیست. برای اینکه شناسایی نشوم، یک دست لباس سیاه خریدم که هنگام سرقت، آن را به تن می‌کردم. حتی بعد از سرقت‌ها برای پیگیری پرونده همراه عمویم به اداره پلیس می‌رفتم تا از روند پرونده مطلع شوم.

چرا بعد از پولدار شدن نامزدت را رها کردی؟

وقتی خودرو لوکس زیر پایم افتاد و لباس‌های مارک پوشیدم، انگار نگاه همه به من تغییر کرد تا قبل از آن کسی اصلاً مرا نمی‌دید اما با آن سر و وضع و خودرو توجه خیلی‌ها به من جلب شد. اعتراف می‌کنم که خودم را گم کرده و نامزدم را فراموش کردم. به خودم گفتم چرا وقتی موقعیت‌های بهتری برای ازدواج سر راهم قرار گرفته، باید با آن دختر معمولی ازدواج کنم در واقع به خودم این حق را دادم که برای زندگی آینده‌ام، دختر مناسب‌تری را انتخاب کنم اما فکر نمی‌کردم او این طور از من انتقام بگیرد.